

# خشونت خانگی علیه زنان روستایی؛ رنجبران بی صدا

Photo: ElenaOdareeva/depositphotos.com

راضیه امیری

خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود، مورد اعمال زور و تضييع حق از سوی جنس دیگر واقع می‌شود. چنانچه این نوع رفتار در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می‌شود و نکته این است که میزان خشونت در ایران در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است.

تحقیقات تجربی نیز این مسئله را تایید می‌کند. در یک [تحقیق در استان اردبیل](#) روشن شد که در دو بعد خشونت جسمی و خشونت روانی، میزان خشونت در مناطق روستایی استان اردبیل، بیشتر از مناطق شهری است. به عنوان نمونه از دو منظر خشونت جنسی و خشونت فیزیکی مناطق روستای پارس‌آباد و خلخال، شاهد بیشترین میزان خشونت علیه زنان هستند.

دکتر «شکوه نوابی نژاد - رییس انجمن ایرانی مطالعات زنان - در نشست تخصصی خشونت خانگی درباره میزان خشونت علیه زنان روستایی [گفته بود](#)»: در کشور ما بیشترین خشونت و همسرآزاری در مناطق روستایی دیده می‌شود چون زنان روستایی معمولاً به دلیل ناآشنایی با حقوق خود به عنوان یک زن و یک انسان برای حفظ کانون خانواده و یا ترس از بی‌آبرویی و انگشت نما شدن تمام آزارها را تحمل می‌کنند.»

شاید در نگاه نخست گفته شود که طبیعی است میزان خشونت در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری باشد و مخاطب به صورت پیش‌فرض بر این فرض تکیه زده باشد که شهر به علت تماس مستقیم با مظاهر مدنیت شاهد میزان خشونت کمتری نسبت به زنان است؛ ولی این تنها جنبه‌ای از کلیت مسئله است و باید در جستجوی دلایلی بود که به صورت جزئی‌تری کلیت مسئله را بررسی می‌کند.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

«ناهید کشاورز - رییس کلینیک قضایی دانشگاه شهید بهشتی - درباره میزان شیوع خشونت خانگی، نرخ خشونت خانگی در روستاها را بالاتر از شهرها دانست که این میزان بالاتر اکثر کشورهای دنیا را در بر می‌گیرد. خانم کشاورز پیرامون [این نکته می‌گوید](#):» براساس مطالعات جهانی نرخ خشونت علیه زنان در مناطق روستایی بیشتر است. به طور مثال در پژوهشی که سازمان جهانی بهداشت در ۱۰ کشور در مورد خشونت علیه زنان انجام داده است، در اکثر این کشورها نرخ خشونت علیه زنان در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است.»

قطعا یکی از عوامل بیشتر بودن خشونت خانگی در روستا نسبت به شهر، پایداری بیشتر سنت‌های اجتماعی در روستاست. از آنجا که این سنت‌های اجتماعی خصوصاً در کشورهای خاورمیانه، عموماً زن‌ستیزانه هستند، طبیعی است که با پایداری این سنت‌ها، زن‌ستیزی نیز پایداری بیشتری می‌یابد. وقتی بحث از سنت می‌کنیم هم از عرف‌های جاافتاده نام می‌بریم و هم سنت‌های دینی را منظور می‌داریم. به عنوان مثال اگر ترکیه را جامعه‌ای بدانیم که اکثریت مسلمان آن پایبند و متشرع به مذهب خود هستند، چند سال پیش در یک نظرسنجی [روشن شد](#) که در مناطق روستایی حدود نیمی از زنان معتقد بودند که شوهران حق دارند زن خود را بزنند.

یکی دیگر از مسائلی که عامل افزایش شدید خشونت خانگی در روستاهاست، بحث کودک‌همسری است. یک دختر ۱۱ ساله وقتی به خانه همسر می‌رود، در واقع بیش از آنکه یک همسر باشد یک کودک است. توقعاتی که به عنوان همسر از او می‌رود وقتی از دنیا و فضای کودکانه او بر نیاید، همسر را به خشونت وا می‌دارد و این خود اساساً کلید آغاز خشونت خانگی است.

«پروین ذبیحی» که سال‌ها در روستاهای کردستان در این حوزه فعالیت [کرده است](#)، به شیوایی نسبت بین کودک‌همسری و تشدید خشونت خانگی در کردستان را وا می‌کند: «در تمام طول سال‌ها در روستا متوجه شدیم در اکثر روستاهایی که مدارس تا مقطع ابتدایی و راهنمایی بیشتر وجود ندارد به دلیل فقر مالی و فقر فرهنگی و از جمله تعصب و ناموس پرستی، دختران از ادامه تحصیل محروم می‌شوند و در سنین کودکی و بیشتر چهارده و پانزده سالگی تن به ازدواج اجباری می‌دهند و فاجعه از همین جا شروع می‌شود. هنوز کودک هستند که صاحب فرزند می‌شوند و در اثر ناگاهی و کم‌تجربگی و فقر و خیلی مسایل دیگر به شدت مورد خشونت قرار می‌گیرند و کتک و آزار و قتل و خودسوزی زنان امری عادی می‌شود.»

البته این را هم نباید از نظر دور داشت که طبق گفته رییس انجمن ایرانی مطالعات زنان در سال ۵۹، کمتر از ۵۳ درصد از خشونت‌های خانگی در ایران [به پلیس گزارش داده می‌شود](#) و باز به گفته او در یک تحقیق سه ماهه روشن شد که از ۰۸۱ مورد شکایت خشونت خانگی، ۸۲۱ مورد، حاضر به پیگیری و پیگرد قانونی عامل خشونت نشده‌اند.

## نقش بنیادین دولت در کاهش کودک‌همسری

مراکش: مقابله قانونی اما ناکافی با خشونت خانگی علیه زنان

### تقدم و تاخر فرهنگ و قانون در بحث خشونت خانگی

این خود نشانگر آن است که این گزارش تنها به نوک کوه یخ خشونت خانگی در ایران می‌پردازد و به علت عدم شکایت و عدم پیگرد قانونی، نمی‌تواند به همه ابعاد خشونت خانگی در ایران دست پیدا کند. طبعاً به علت اینکه زنان روستایی دسترسی خیلی کمتری به مراجع قانونی دارند، این نکته که آن‌ها نمی‌توانند شکایت کنند یا پیگرد قانونی انجام دهند، بدون شک درباره آنان مصداق بیشتری دارد.

چنانکه در تحقیقی که انجمن جامعه‌شناسی در سال ۵۹۳۱ انجام داده است، روشن شده است که از مجموع پرونده‌های خشونت علیه زنان که در دادگاه‌های کشور ثبت شده است، ۹۸ درصد پرونده‌ها مربوط به مناطق شهری و ۱۱ درصد مربوط به مناطق روستایی بوده‌اند. این در حالی است که در بالا دیدیم که میزان خشونت خانگی در مناطق روستایی به روشنی، بسی بیشتر از مناطق شهری بوده است.

از این روست که به نظر می‌رسد مناطق روستایی باید مورد توجه بیشتری از طرف دولت واقع شوند. اگر حضور سنت‌های غلط اجتماعی و باورهای نادرست دینی، خشونت خانگی در مناطق روستایی را تشدید کرده است، در عوض دولت نیز باید حضور حمایتی خود در مناطق روستایی برای محافظت از زنان را باید تشدید کند. زنان روستایی زنان رنج نیستند؛ به آنان باید کمک کرد تا از زن‌بودن خود لذت ببرند نه آنکه آن بهانه‌ای شود برای توسری‌خوری و اعمال خشونت.